

## تأثیر پذیری امپراتوری سلجوقی از میراث تمدنی ایرانی-اسلامی

حواخاتون طالش عشوری<sup>۱</sup>

مهرناز بهروزی<sup>\*۲</sup>

امیر تیمور رفیعی<sup>۳</sup>

### چکیده

این مقاله به تاثیرپذیری امپراتوری سلجوقی از میراث تمدنی ایرانی اسلامی تمرکز دارد، اساساً در طول هزاره ها، تا اوایل قرن بیستم، گستره وسیع فلات ایران و آسیای صغیر، هم چون بین النهرین و دلتاهای مرکزی چین و حوزه نیل، شاهد ظهور و افول امپراتوری های متعددی بوده است. به طوری که تاریخ سیاسی بشر در این گستره وسیع چرخه رشد و زوال پی در پی امپراتوری را به عنوان فرمایشیون حیات سیاسی و اجتماعی تجربه کرده است. امپراتوری سلجوقیان نیز در پی فروپاشی غزنوی شکل گرفته و دوره ای از رشد و زوال را طی کرده است، مساله مورد بررسی این مقاله ساختارهای حکمرانی سلجوقیان و تاثیر پذیری آن از میراث تمدنی ایرانی اسلامی است، لذا این مقاله به دو قسمت تقسیم شده است نخست ساختارها و تشکیلات حکمرانی سلجوقی و سپس تاثیر پذیری آن در زمینه های مختلف از عناصر تمدنی ایرانی و اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، یافته های این مقاله بیان گر بازسازی امپراتوری سلجوقی بر میراث و رویه های متدوال تاریخی و تاثیر پذیری از عناصر و نهادهای ایرانی و اسلامی است، روش تحقیق در این مقاله به شیوه تحلیلی تاریخی و شیوه گردآوری داده ها نیز کتابخانه ای اسنادی است.

واژگان کلیدی: امپراتوری سلجوقی، تمدن ایران، خلافت اسلامی، آسیای صغیر

۲۹۵



فصلنامه

پژوهش های

روابط بین الملل،

دوره دهم، شماره

دوم، شماره پیاپی

سی و هفت

تابستان ۱۳۹۹

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
۲. استادیار گروه تاریخ و باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\* Mehrnaz\_behroozi@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ ایران، دانشکده علوم انسانی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۴

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هفت، صص ۳۲۰-۲۹۵

## مقدمه

به طور کلی امپراتوری‌ها به عنوان فرماسیون سیاسی اجتماعی اقتصادی حیات بشری برای اولین بار مقارن با انقلاب زراعی در شرق از جمله در حوزه های بین النهرین، مصر باستان، و دلتاهای چین و هند شکل گرفتند، از نخستین امپراتوری بنام و شناخته شده یعنی سومر تا نیمه قرن بیستم، این فرماسیون از حیات سیاسی، شکل رایج و متداول حکمرانی بوده است، تاریخ سیاسی بشر در فلات ایران و آناتولی شاهد ظهور و زوال امپراتوری‌های متعددی بوده است، به طوری که بررسی تاریخی نشان می‌دهد چرخه هایی از ظهور و افول امپراتوری‌ها در این گستره های وسیع در جریان بوده است. امپراتوری‌هایی که به طور غالب خاستگاه های ایلاتی داشته و با توسل به زور بر میراث‌های گذشته و جوامع مقهور حکمرانی خود را بازسازی می‌کرده‌اند، از جمله این امپراتوری‌ها، سلجوقیان است که با فروپاشی غزنوی، سازمان دهی حکمرانی خود را از پهنه هایی از فلات ایران آغاز کرده و تا اشاعه در آناتولی گسترش یافتند، سلجوقیان شاخه‌های از قوم ترک اوغوز بودند. توقوز اوغوز یا «قبایل نهگانه اوغوز» بخشی از امپراتوری نخستین گوک تورک را در اوایل سده هشتم میلادی شکل می‌دادند و در کتیبه های اورخون، سالنامه های سلطنتی این امپراتوری بارها از آنها نام برده شده است. هنگامی که این امپراتوری در سال ۷۴۱ م فروپاشید، سرکرده اوغوزها سرانجام در جناح راست اردوی ترکان غربی به مقام نظامی ییغو دست یافت. اوغوزها از راه استپهای سیبری به طرف جنوب غرب تا دریاچه آرال و سرحدات ماوراءالنهر، و از طرف شرق تا ولگا و جنوب روسیه دست به مهاجرت زدند. اوغوزها در اواخر سده چهارم هجری در سرحدات و حواشی شمالی امارت سامانی ظاهر شدند و از اینجا به بعد حضوری شفاف و روشن در تاریخ اسلام یافتند (آقسرائی، ۱۳۶۲: ۴۵).

ایل حاکم بر قوم اوغوز ایل قنیق بود و خاندان سلجوق (که ظاهراً از گروه های بزرگ اجتماعی نیز به حساب نمی‌آمدند) از ایل قنیق بودند. بعدها که سلجوقیان در ایران صاحب قدرت و شوکت شدند درصدد برآمدند تا به این خانواده پیشینه باشکوهی قائل شوند؛ از اینرو ابوالعلاء بن حسول (د. ۴۵۰ ه.ق) دبیر رسمی طغرلیبیک آنها را به افراسیاب، شاه افسانه ای ترکان پیوند داد. طبق شواهد متقن تاریخی، چنین می‌نماید که

سرکرده سلجوقیان (با نام سلجوقبن دقاقبن تمور یلیغ) آهنگین کمان («در سده چهارم هجری در کنار منصب ییغو، مقام سوباشی یا فرماندهی نظامی را نیز به دست آورده است. سلجوقیان به حکم غلبه و تنگی چراگاه و مرتع با خدم و حشم خود به جند در سفلی سیر دریا رفتند و در اینجا سلجوق درگذشت و خانواده و پیروان او به اسلام گرویدند. دشمنی و خصومت دو تیره ایل قنیق (اوغوز و سلجوق) تا سال ۴۳۳ ه.ق ادامه داشت و در این زمان سلجوقیان با پیروزیهایی که در خراسان و خوارزم کسب کرده بودند، ملکشاه فرزند و جانشین نهایی ییغو علی را از خوارزم راندند. (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۳۲). در این روزگار سلجوقیان و سایر گروه های غزان در حواشی خوارزم و ماوراءالنهر به خدمت سامانیان که در این ایام دچار مشکلات زیادی بودند، درآمدند و در نهایت جانشین نهایی آنان در شمال جیحون، قراختایان و حکام محلی خوارزم که از حواشی استپ به این مناطق و قراقوم (جمهوری ترکستان امروزی) وارد شده بودند، شدند. سرکردگان سلجوقیان در آغاز سه فرزند سلجوق، موسی، میکائیل و ارسلان (و احتمالاً چهارمین فرزند او یوسف) بودند و از نسل بعد دو فرزند میکائیل، طغرلیک محمد و چغریبیک داوود رهبری آنها را بر عهده گرفتند. در سال ۴۲۶ ه.ق مسعود غزنوی از سلجوقیان و پیروان آنها، مناطق نسا، فراوه، سرخس و چراگاه های حاشیه شمالی خراسان را درخواست کرد. سلجوقیان در چند سال بعد به خراسان رخنه کردند و به طرف غرب تا شمال ایران هجوم آوردند و جنگجویان سبکسلاح و چابک آنها در مقابل سپاه مجهز ولی کمتحرک غزنوی به پیروزی رسیدند و پس از شکست دادن مسعود غزنوی در دندانقان در سال ۴۳۱ ه.ق توانستند خراسان را به دست بیاورند و سپس نواحی دیگر ایران را مال خود کنند. طغرل هنگامی که برای نخستین بار و به طور موقت نیشاپور را در دست گرفت (۴۲۹ ه.ق) راه استقلال در پیش گرفت خطبه به نام خود خواند (گرچه شاید در کنار نام سلطان مسعود غزنوی) و لقب سلطان معظم را به خود داد و این عنوان سراجام روی سکه های او نقش بست. پس از مرگ طغرل در سال ۴۵۵ ه.ق آلپ ارسلان رهبری امپراتوری سلجوقی را در دست گرفت. تمامی حاکمان بعدی سلجوقیان بزرگ و حاکمان سلجوقی عراقی و غرب ایران از بازماندگان آلپ ارسلان هستند. پس از آلپ ارسلان و ملکشاه که جانشین او شد بر سر مسئله جانشینی

صحبت‌های زیادی به میان آمد. پیش‌تر در زمان سلطنت طغرل، ابراهیم ینال و دو تن از برادرزادگان وی علیه طغرل شوریدند (۴۵۱ ه.ق) ولی شورش آنها ناکام ماند. هنگامی که آلپ ارسلان به قدرت رسید (۴۵۵ ه.ق) عمویش، قلمش، در ساوه شورش کرد (۴۵۶ ه.ق) و مسئله ارشدیت خانوادگی را پیش کشید. هنگامی که ملک‌شاه در سال ۴۶۵ ه.ق به جای پدر نشست عموی او، قاورد، شورش کرد ولی با دخالت نظام‌الملک به قتل رسید. آلپ ارسلان به منظور جبران داعیه سلطنت قلمش، فرزند او، اسماعیل، را به همراهی ترکمانانی که احتمال سرپیچی از آنها میرفت و از تمرکز قدرت نیز چندان راضی نبودند به طرف غرب و درون سرزمین‌های آناتولی فرستاد و ورود آنها به این سرزمین موجبات گسترش سلجوقیان و پیروزی آنها را بر بیزانسیها در سال ۴۶۳ ه.ق در نبرد ملازگرد فراهم ساخت. از همین اقدام بود که بعدها سلطنت سلجوقیان روم در قونیه شکل گرفت. (ابن‌بیبی، ۱۵۵: ۱۹۵۱).

در زمینه امپراتوری سلجوقیان روم سؤالات متعددی مطرح می‌شود و پژوهش‌های گوناگونی نیز در شکل کتاب، مقاله، پایان نامه و ... در این باره انجام شده است، از جمله مساله چگونی ظهور و یا زوال آنان، در این مقاله سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که امپراتوری سلجوقی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر چه میراث تمدنی بوده است؟ و در پاسخ این فرضیه طرح شده است که امپراتوری سلجوقی تحت تأثیر میراث تمدنی ایرانی اسلامی قرار گرفته است و ساختارهای آن بیش از آن که خلاقانه و نوآورانه باشد متأثر از میراث‌های گذشته است، لذا در این مقاله نخست به روند و چگونگی برآمدن سلجوقیان روم و استقرار قدرت آنان در محدوده جغرافیایی آسیای صغیر پرداخته می‌شود. بدین منظور ضمن بیان خاستگاه و پیشینه کلی «سلجوقیان» مسیر قدرت یابی و گسترش حکمرانی این دودمان و ساختار حکمرانی آنان در زمینه های مختلف را بررسی می‌کنیم، سپس به تأثیر پذیری آن از میراث تمدنی ایرانی اسلامی پرداخته می‌شود. روش تحقیق در این مقاله به شیوه تحلیلی تاریخی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است و سعی می‌شود از منابع معتبر حول مساله پژوهش به گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و شواهد با استفاده از منابع معتبر پرداخته شود.

## ۱. ظهور سیاسی سلجوقیان

در سده پنجم هجری صفحات شمال شرقی ایران، توسط گروه تازه‌ای از ترکان که منابع اسلامی از آنان به عنوان ترکمان یاد می‌کنند، اشغال گردید. سلاجقه نیز طایفه‌ای از این طوایف بودند که به قول کاشغری نویسنده دیوان لغات ترک، این طایفه یعنی طایفه شاهی اغوزها همراه با طوایف دیگر در دوره سامانیان در دشتهای نزدیک دریاچه آرال و سواحل شرقی دریای خزر و دره های سیحون و جیحون در ترکستان سکونت داشتند (کاشغری، ۱۳۸۹: ۱۷۱). در این زمان جد سلجوقیان به نام دقاق در میان غزها به تمریر بالغ (سخت کمان) شهرت داشت و در منصب سوباشی و مقدم الجیش در خدمت بیغو فرمانروای اغوزها بود که از قشلاق خود در ینگی کند بر تمام ترک‌های سیحون تا ولگا حکم می‌راند (ابن اثیر، بی تا، ج ۱۶: ۲۰-۲۱). این طایفه صحرا گرد پس از چندی به مناسبت نزدیکی به ممالک اسلامی قبول اسلام کرده و تهاجمات خود را به مرزهای شرقی ایران آغاز کردند. به این ترتیب سلجوق بن دقاق در حدود سال ۳۷۵ ه. ق با عشیره خود از بخش اعظم قبایل غز در ترکستان جدا شده و اردوگاه خود را در ساحل رود سیحون علیا در حدود جند بر پا ساخت و در آنجا اسلام را پذیرفت. سپس حملات خود را بر ضد آن دسته از ترکانی که اسلام را نپذیرفته بودند آغاز کرد (گروسه، ۱۳۷۹: ۲۹۰). بعد از مرگ سلجوق نیز دسته های مختلف ترکمانان به رهبری فرزندان وی میکائیل، ارسلان، (اسرائیل) و موسی، حرکت کوچ مانند خود را به همراه خانواده و گله هایشان به صفحات شمال شرقی ایران ادامه دادند. این طایفه به زودی دارای چنان قدرت و شوکتی شدند که توانایی مداخله در جریانات و حوادث مهم سیاسی آن روز را پیدا کردند و به زودی در محلی به نام دندانقان در سال ۶۳۱ ه. ق بر سلطان مسعود غزنوی فائق آمدند؛ سپس بر سراسر خراسان مسلط گردیدند (حسینی، ۱۳۸۰: ۶۹). در این زمان طغرل بیک به عنوان سرکرده طایفه سلجوقی و اولین سلطان این قوم به زودی گرگان، طبرستان، و خوارزم را ضمیمه امپراطوری نویناد خود کرد. و به تدریج آذربایجان و قسمتهایی از مناطق آسیای صغیر را نیز متصرف گردید. وی سپس در سال ۴۴۷ ه. ق به بغداد رفت و به فرمان خلیفه خطبه سلطنت به نام وی خوانده شد (بنداری، ۱۳۵۶: ۶۸-۵۱) سلجوقیان چند دهه پس از آنکه آل بویه شیعیمذهب با اقتدار سیاسی و

نظامی خود قدرت سیاسی و مذهبی خلفای عباسی را در بغداد تحت سلطه خود درآوردند، در صحنه جهان اسلام ظاهر شدند. در این زمان اگرچه چندی از امارتنشینهای کوچک اعراب در عراق، جزیره و شمال سوریه شیعیمذهب بودند، اما خطر اصلی در وجود فاطمیان، خلافت شیعی اسماعیلی شمال آفریقا و مصر و جنوب سوریه و رقیب خلافت عباسی نهفته بود که هنوز حالت نظامی و گسترشیابنده و پیشرو داشت و پایتخت آن از همان آغاز در قلمرو و شکوه فکری و مادی بر بغداد برتری داشت. استقرار سلجوقیان ترک‌نژاد در ایران، جزیره و شمال سوریه، سدی در برابر پیشروی بیامان سیاسی این تشیع روپهرشد ایجاد کرد و پیش از اینکه تشیع بتواند ترکیبندی مذهبی بیشتر نواحی شمالی خاورمیانه، ایران و شرق آناتولی را به نفع خود برهم بزند سلجوقیان توانستند به مدت چهار سده بر این مناطق تسلط بیابند. سلجوقیان، سنی‌مذهب از نوع حنفی بودند و سر آن داشتند که جای قدرتهای موجود ایران از جمله غزنویان و سلسله های شیعی دیلمی شمال و غرب ایران را بگیرند و خلافت عباسی را از زیر فشار آنها برهانند و خود نیز از نتایج پیروزیهای نظامی و سیاسی بهره‌مند شوند. این نکته که سلاجقه به دنبال این بودند که از نتایج پیروزیهای سیاسی و نظامی منتفع بشوند در آینده سبب شد تا میان آنها و خلافت تنش و اختلاف جدی شکل گیرد و با اینکه القائم در آغاز از ظهور طغرلبیک استقبال کرد، ولی بعدها رابطه بین عباسیان و سلجوقیان بزرگ تیره شد (ابن عبری، ۱۳۷۷: ۸۹).

خلفا هنگامی که در اواسط قرن هفتم هجری توانستند در مقابل سلجوقیان در حال ضعف و سقوط، استقلال عملی از خود نشان دهند به خود آمدند. با همزیستی ۱۳۰ ساله عباسیان و سلجوقیان، شرایط مناسبی برای توسعه و تحول اسلام ایجاد شد و مفهوم «خلیفه - امام» در مقام رهبر روحانی و معنوی و مفهوم سلطان (در این مورد سلطان سلجوقی) به عنوان رهبر دنیوی و اجرایی برای شمار زیادی از مسلمانان مطرح شد. یورش سلجوقیان به سرزمینهای اسلامی آغاز مهاجرت و حرکت دیرباز و طولانی اقوام آسیای مرکزی به خاورمیانه بود؛ حرکتی که تأثیرات بلندمدت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی برجای گذاشت. از تأثیرات مضاعف رهبری سیاسی سلجوقیان بزرگ، استقرار و استحکام تسنن به عنوان مذهب برتر و فائق سرزمینهای اسلامی بود. استقرار

امپراتوری سلجوقی به لحاظ فرهنگی، زبان عربی را در مقام تنها زبان جوامع فرهیخته و ادبی خاورمیانه از صحنه بیرون راند. سلجوقیان با مهاجرت از ماوراءالنهر (که هنوز ایرانی و زبان فارسی بر آن حاکم بود) سرتاسر ایران را مال خود کردند؛ آن‌ها به لحاظ فرهنگی موقعیت و جایگاه بالایی نداشتند، از اینرو زبان فارسی زبان دیوانی و فرهنگی آنها در سرزمین‌های ایران و آناتولی شد. فرهنگ فارسی سلجوقیان روم در سطح بالایی قرار داشت و مدتها طول کشید تا زبان ترکی به‌تدریج در زمینه‌های حکومتی و ادبی به جایگاه آن رسید؛ زبان فارسی در تمدن عثمانی چنان نفوذ کرد و ریشه دواند که تا قرن نوزدهم قدرت صلابت خود را نگاه داشت. آناتولی از مهمترین مناطق خاورمیانه بود که سلجوقیان وارد آن شدند و تأثیرات بیدرنگ و عمیق و گسترده‌ای در آن برجای گذاشتند، طوریکه آثار عمیق و گسترده سیاسی، مذهبی و فرهنگی آنها هنوز هم محسوس و قابل مشاهده است. در این منطقه (آناتولی) سلطنت سلجوقیان روم با مرکزیت قونیه و سایر امارت‌نشینهای ترک نژاد شمال و شرق آناتولی بر بخش بزرگ مناطق امپراتوری بیزانس و ارمنستان آسیای صغیر تسلط یافت. (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۰).

## ۲. تحول سیاسی سلجوقیان روم

پس از فتح ملازگرد، آلپ ارسلان پسرعم خود «سلیمان بن قلمش» را به آسیای صغیر فرستاد، سلیمان به همراه برادرانش در آناتولی به کوشش و جهاد پرداختند تا اینکه سلیمان سلطنت سلجوقیان روم را در مرکز آناتولی با پایتختی قونیه بنا نهاد و بلاد روم در حوزه ممالک اسلامی درآمد. طبق منابع در حقیقت به نظر می‌رسد که فرزندان قلمش از همان آغاز تحت نظارت و فرمان سلجوقیان بزرگ بوده‌اند و پس از مرگ آلپ ارسلان در مرزهای غیرقابل مهار آناتولی به فعالیت برخاسته و درصدد این برآمدند تا خود را از زیر سلطه سلجوقیان بزرگ بیرون بکشند؛ ولی ملک‌شاه بر آنها پیروز شد و حتی منصوربن قلمش را به قتل رساند و با اینکه سلیمان فرار کرد؛ اما بعدها در جنگی با تنش کشته شد. باید گفت که با آنکه سلیمان در ظاهر از دولت مرکزی سلجوقی و سلطان ملک‌شاه سلجوقی فرمان می‌برد، اما با استفاده از دوری مسافت از مرکز سلجوقیان بزرگ، دعوی استقلال داشت و خود را سلطان (سلیمان‌شاه) نامیده بود. سلیمان در سال ۴۶۷ هـ. ق شهر ازنیق (نیقیه یا نیکیا) در آسیای صغیر را به عنوان پایتخت خویش برگزید.

بدین ترتیب، سلیمان را باید بنیانگذار سلسله سلجوقیان روم دانست زیرا که در آینده حکومت در آسیای صغیر در خاندان او موروثی شد. در این دوران گروه‌هایی از ترکمانان در داخل آسیای صغیر رخنه کرده و تا سواحل مرمره و اژه دست به غارت زدند و سلیمان تا «نیکیه یا ازنیق» در نقطه شمال غربی این سرزمین رسید و از این زمان به بعد می‌توان شاهد آغاز حکومت سلجوقیان روم در سرزمین آناتولی بود (ابن خلدن، ۱۳۶۸: ۹۳). سلطان قلیچ اول که پس از مرگ پدرش، سلیمان، در زندان ملک‌شاه بود، با مرگ ملک‌شاه در سال ۴۸۵ ه.ق با استفاده از کشمکش بر سر جانشینی آن سلطان، توانست از زندان بگریزد و به آسیای صغیر بازگردد و در ازنیق بر تخت سلطنت بنشیند. وی به سازماندهی دستگاه حکومت پرداخت و پایتخت را نوسازی کرد و برای نواحی مختلف فرمانروایانی برگزید. واقعه مهم در زمان او شروع جنگ‌های صلیبی بود. با آنکه وی و سپاهیان در نبردهای سنگین با صلیبیان رشادتهای بسیار نشان دادند، سرانجام ازنیق به دست صلیبیان افتاد و قلیچارسلان قونیه را به پایتختی برگزید. وی سپس با امپراتور بیزانس، آکسیوس، پیمان اتحاد بست و موفق شد قلمرو خود را گسترش دهد و سرداران استقلالطلب را به اطاعت وادار کند. قلیچارسلان در سال ۵۰۰ ه.ق پس از اینکه در نبرد با ملک‌رضوان (پسر تشبن آلپ ارسلان) شکست خورد، هنگامی فرار در رودخانه افتاد و غرق شد (افلاکی، ۱۳۶۲: ۵۵).

پس از مرگ قلیچ ارسلان پسر وی ملک‌شاه دستگیر و به نزد سلطان محمد سلجوقی فرستاده شد؛ اما وی پس از اندکی از زندان گریخت و به آسیای صغیر بازگشت و با لقب شاهنشاه به حکومت رسید. در حالی که در این دوران اوضاع آسیای صغیر آشفته بود و سران ترک بر سر کسب قدرت مبارزه داشتند، ملک‌شاه با لشکریان امپراتور بیزانس به نبرد پرداخت اما وی در سال ۵۱۰ ه.ق طی توطئهای کشته شد. سلطان مسعود اول پادشاه بعدی بود؛ وی برادر ملک‌شاه بود که پس مرگ او به حکومت رسید. سلطان مسعود یکی از قدرتمندترین فرمانروایان سلجوقی روم بود که در دوران او ثبات و پیشرفت آناتولی آغاز شد. وی در ایام سلطنت طولانی خود با دوران‌دیشی و بردباری دولت سلجوقی روم را از نابودی نجات داد. سلطان مسعود در سال ۵۵۱ ه.ق به‌طور طبیعی از دنیا رفت. عزالدین قلیچ ارسلان دوم فرزند مسعود اول بود که پس از مرگ

پدر به حکومت رسید. از وقایع مهم دوران وی می‌توان به جنگ با سلسله دانشمندیه و امپراتور بیزانس اشاره کرد. وی توانست به قلمرو دانشمندیه یورش ببرد و بسیاری از مناطق آن را تصرف کند، در زمان او سلسله دانشمندیه در سال ۵۷۱ ه.ق فروپاشید. عزالدین در نبردهایی که با بیزانسیها داشت توانست پیروزیهای بزرگی به دست آورد و پس از پیروزی بر مانوئل کمنسوس، امید بیزانسیها را برای بازپسگیری آناتولی برای همیشه پایان دهد. رکنالدین پس از مرگ پدر، قلیچارسلان دوم، توانست زمام امور بیشتر قلمرو پدر را در دست بگیرد. وی ارزشنوم را از دست یک سلسله محلی به نام آل سلتوق خارج کرد؛ اما در لشکرکشی به گرجستان ناکام ماند. رکنالدین از فرمانروایان بزرگ سلاجقه روم بود و از خلیفه الناصر لدینالله عباسی نیز لقب السلطان القاهر دریافت کرد. وی در اواخر عمر به کشتن برادرش مسعود و تصرف قلمرو آن، آنقره، اقدام کرد؛ اما خود نیز کمی بعد در سال ۶۰۱ ه.ق درگذشت. (چارشلی، ۱۳۸۰: ۵۴).

قلیچارسلان سوم فرزند رکنالدین سلیمان بود که پس از مرگ پدر، از سوی سرداران به حکومت برگزیده شد اما با مخالفت و دشمنی عمومی خود غیاث الدین کیخسرو روبه‌رو شد که در نهایت این غیاث الدین بود که توانست برادرزاده خود را کنار بزند و به قدرت برسد. تاریخ آغاز حکومت غیاث الدین سال ۶۰۱ ه.ق بود. از وقایع دوران حکومت او می‌توان به تصرف انطاکیه اشاره کرد. غیاث الدین در سال ۶۰۷ ه.ق پس از نبردی سخت و موفقیت‌آمیز که به هواداری الکسیوس سوم ضد لاسکاریس (داماد الکسیوس) انجام داد، ناگهان به قتل رسید. پس از غیاث الدین، پسرش عزالدین کیکاوس اول به حکومت رسید و پس از پیروزی بر مدعیان سلطنت خویش، درصدد بازپسگیری انطاکیه که از دست سلجوقیان خارج شده بود، برآمد. وی همچنین با پادشاه ارمنستان، لئوی دوم، جنگید و مناطقی از قلمرو سلاجقه را که در دست پادشاه ارمنستان بود پس گرفت. عزالدین در سال ۶۱۶ ه.ق از دنیا رخت بر بست. کیقباد اول در رقابتی که بر سر قدرت با برادرش، کیفریدون، داشت، توانست با حمایت برخی از نظامیان پیروز شود و حکومت را به دست گیرد. کیقباد در زمان حکومتش نواحی بسیاری را به قلمرو سلجوقیان افزود و پادشاه ارمنستان را خراجگزار خویش کرد. دوره سلطنت وی از درخشانترین ادوار سلجوقیان روم است. وی پادشاهی شایسته، باهوش و هنرمند و

دانشمند بود. در زمان فرمانروایی کیقباد، آناتولی از جهت فرهنگی بسیار پیشرفت کرد. از رویدادهای مهم دوران وی نبرد با سلطان جلال الدین خوارزمشاه بود که نهایتاً هر دو پادشاه متعهد شدند که از تجاوز به یکدیگر خودداری کنند. کیقباد در سال ۶۳۰ ه.ق سفیری را نزد اوکتایفرستاد و ابراز اطاعت کرد و خان مغول نیز متقابلاً سلطنت وی را به رسمیت شناخت. سلطان علاءالدین کیقباد در سال ۶۳۶ ه.ق مسموم شد و در گذشت. (بناکی، ۱۳۷۸: ۹۴).

پس از کیقباد پسرش غیاث الدین کیخسرو دوم که پادشاهی عشرت دوست بود به پادشاهی رسید. در زمان پادشاهی کیخسرو دوم مغولان به رهبری بایجو نوین به قلمرو کیخسرو دوم یورش آوردند و بخشهایی از سرزمین وی را تصرف کردند. کیخسرو در سال ۶۴۰ ه.ق در محلی به نام کوسه داغ با سپاه مغول روبه‌رو شد و پس از تحمل شکستی سخت به قونیه فرار کرد. شکست کوسه داغ که آغاز انحطاط و فروپاشی در تاریخ سلاجقه روم بود، باعث تبعیت غیاث الدین کیخسرو دوم از مغولان و پرداخت خراج به آنان شد. پس از این وقایع، در آسیای مرکزی آشفتگی حاکم شد و کیخسرو نیز در سال ۶۴۴ ه.ق به طریقی مرموز کشته شد (بناکی، ۱۳۷۸: ۹۵) پس از غیاث الدین کیخسرو، بر سر جانشینی او میان سه پسرش اختلاف و درگیری در گرفت. در این میان مغولان از نفوذ خود استفاده کردند و نخست، فرمانروایی را به عزالدین و رکنالدین واگذار کردند، اما پس از چندی هلاکوخان دستور داد که هر سه برادر به اشتراک حکومت کنند. این حکومت مشترک یازده سال ادامه یافت تا اینکه مجدد آتش اختلافات شعلهور شد. عزالدین کیکاوس که به دربار برکای (خان قبیله جوجی) پناهنده شده بود در سال ۶۸۲ ه.ق درگذشت. (بنداری، ۱۳۵۶: ۵۴).

پس از فرار عزالدین، برادرش رکنالدین با عنوان قلیچارسلان چهارم زمام قدرت را بر دست گرفت؛ اما وی تنها نامی از سلطنت را داشت و قدرت واقعی در دست وزیر او، سلیمان معینالدین پروانه، بود. معینالدین که مردی باتدبیر و عالم‌پرور بود، از سوی مغولان اداره تمام امور حکومت سلجوقیان روم را بر عهده داشت. وی پس از اینکه متوجه مخالفت رکنالدین با خود شد دستور داد تا او را مسموم کنند و پسر خردسال آن سلطان را به سلطنت بگمارند. (همان) همانگونه که گفته شد کیخسرو سوم که پسر

رکنالدین بود به دستور معینالدین به سلطنت رسید. پس از آنکه معینالدین پروانه به دلیل اقدامات خود به قتل رسید زمام امور حکومت به دست کیخسرو سوم افتاد، البته در عمل قلمرو سلجوقیان روم به دست گیخاتو بود که پس از معینالدین، از طرف ارغون، به فرمانروایی آسیای صغیر برگزیده شد بود. از جمله رویدادهای مهم دوران کیخسرو سوم شورش شخصی به نام جمری بود که در نهایت سپاهیان کیخسرو او را دستگیر کرده و کشتند. سلطان غیاث‌الدین کیسخر در ذیقعه سال ۶۸۲ ه.ق در ارزنون چشم از جهان فرو بست. (هولت، ۱۳۷۰: ۴۳) خاندان سلاطین سلجوقی روم بیش از دو قرن، یعنی از حدود سال ۴۷۰ ه.ق تا دهه اول ۷۰۰ ه.ق دوام داشت؛ اما باید گفت که چراغ دولت ایشان در سال ۶۵۵ ه.ق که مغولها قونیه را فتح کردند کمکرو به خاموشی رفت. در سال ۶۳۴ ه.ق لشکریان مغول سلطنت سلاجقه را درهم شکستند، و چهار نفر از آخرین سلاطین سلاجقه روم در واقع عمال و دست نشاندهان ایلخانان بودند تا اینکه نهایتاً غازانخان در سال ۷۰۲ ه.ق علاءالدین سوم سلطان صغیر سلجوقی را به قتل رسانید و سلطنت سلجوقیان روم به پایان خود رسید (۷۰۷ ه.ق). پس از اینکه ایلخانان چندی بر آناتولی حکم راندند این سرزمین با سرکردگان آل چوپان وارد عصر بیلکها شد و مانند اسپانیای مسلمان سده پنجم هجری در هر گوشه آن طایفه‌های به حکومت برخاست. با زوال استقلال سیاسی سلاجقه و مهاجرت ترکان عثمانی به آسیای صغیر، قلمرو سلاجقه روم به دست امرای مستقل محلی افتاد و چندی بعد با قدرت یافتن عثمانیان بقایای این قبیل حکومتها تا زمان سلطان سلیم اول از میان رفتند. ذکر این نکته لازم است که از سال ۵۶۷ ه.ق که سلجوقیان روم به مغولان اظهار فرمانبرداری کردند، مغولان در امور حکومت روم بنای دخالت گذاشتند و هرکسی را که می‌خواستند در آنجا به سلطنت برمیگزیدند. اظهار اطاعت سلجوقیان روم نسبت به مغولان قلمرو آنان را از آسیب حملات مغولان در امان نگاه داشت و این وضعیت موجب آن شد که حکومت سلاجقه روم پناهگاهی برای دانشمندان ایرانی شود. در کنار هجوم مغولان از مهمترین عوامل سقوط سلجوقیان روم، به علت ذاتی و وجودی آنها؛ یعنی قدرت ایلات و بعدها اقطاعداران و مالکان بزرگی که از میان آنها برخاستند می‌توان اشاره کرد (جوینی، ۱۳۸۲: ۵۴).

### ۳. ساختار نظامی سلجوقیان روم

به طور کلی سپاه سلجوقیان روم را سپاهی چند ملیتی می‌توان برشمرد. به این ترتیب سلجوقیان روم نه تنها متشکل از ترکمنانی که از همان ابتدا آناتولی را مورد هجوم قرار داده بودند بلکه ارمنیان و یونانیان اسیر و یا غلام و حتی بعضی از افراد خارجی با عنوان مبهم «فرنگی» را نیز در میان لشکریان خود استخدام کرده بودند (آربری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴۵) اگر چه وضعیت سپاهیان اخیر چندان روشن نیست اما به احتمال زیاد این گروه‌ها جزو مزدوران بودند. چون باسورث از ابن بی بی نقل می‌کند که در سده هفتم سپاه جیره‌خواری از خوارزمشاهیان، ارمنیان، کیلیکیه و یونانیان ترابوزان تشکیل شده بودند (باسورث، ۱۳۸۰: ۱۵۳)

سلجوقیان روم ارتشی مرکزی ۱۲۰ هزار نفری متشکل از ترکان زرخرید و یا مسیحیان اسیر شده داشتند که آنها را در مدارسی خاص در پایتخت و در شهرهای دیگر تربیت می‌کردند. اما در مجموع عملاً اداره نظامی و اراضی به دست نیروی ۱۰۰ هزار نفری از ترکان تیولدار بود که هزینه آنان با مالیات و عوارضی که روستاییان می‌پرداختند، تأمین می‌شد (آربری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴۵)

### ۴. ساختار دیوانی سلجوقیان روم

به احتمال زیاد تشکیلات سلجوقیان آناتولی به وسعت و عملکرد تشکیلات سلجوقیان بزرگ نمی‌رسید. سلاطین سلجوقیان آناتولی از منشیان و مأموران سرزمینهای شرق اسلامی وایسته به فرهنگ ایرانی - اسلامی بهره می‌گرفتند؛ چون مأموران یونانی یا ارمنی پیش از سلجوقیان، سررشتهای در کارهای عملی و زبان فارسی و عربی و بهطور کلی در سنت دیوانی اسلامی نداشتند، از اینرو امور دیوانی سلجوقیان روم همچون فرهنگ آنها صبغه شدید ایرانی داشت. البته امکان تأثیرات مستمر تمدنهای پیشین همچون بیزانس را نیز در دوره شکلگیری و پیشین این سلطنت نباید نادیده گرفت. عالی‌ترین مأمور اجرایی سلطان، وزیر بود، ولی به نظر می‌رسد که وزرای آناتولی، آن قدرت و نفوذی را که وزرای سلجوقیان بزرگ، دست کم پیش از اوسط قرن هشتم برخوردار بودند، به دست نیاورده‌اند تا اینکه شخصیت مقتدری چون معینالدین پروانه سلیمان و سایر مأموران

مقتدر به عرصه رسیده‌اند و بین سلاطین دستنشانده و اربابان مغولی آن‌ها حائل شده‌اند. در دیوان انشای قونیه برای مکاتبات از زبان فارسی استفاده می‌شد و زبان عربی هم برای مکاتبات با سلاطین سوریه، مصر و عراق به کار می‌رفت. از اینها گذشته برای ارتباط با تعداد روزافزون ترکان در جمعیت آناتولی به خصوص در میان شهرها و حومه آنها ضروری بود. (رانسمیان، ۱۳۸۶: ۵۰) مقایسه اجمالی میان اصطلاحات مناصب تشکیلاتی سلجوقیان ایران و آناتولی، گستردگی و میزان اقتباس و همانندی این دو دستگاه را آشکارتر خواهد کرد. مهم‌ترین موارد اختلاف منصب پروانگی بود که منشأ آن به درستی روشن نیست. در ایران این منصب تنها یک منصب جزء اداری بود که متصدی آن پروانه‌چی خوانده می‌شد. در هر حال پروانه یکی از مشاوران عالی سلطان بود که پیامهای شخصی او را می‌رساند. اختلاف دیگری که وجود داشت مربوط به قدرت و اختیار وزیر بود. در آناتولی بنا به دلایل نامعلومی به‌ویژه تا پیش از حمله مغول، از اقتداری که سایر همتایانشان داشتند، برخوردار نبودند و همواره صاحب‌منصبان دیگری همچون اتابکان، نواب و غیره با آنان در قدرت شریک بودند. علاوه بر مناصب گفته شده که در سطح کلان مطرح بودند، سلسله مراتب دستگاه دیوانی و نظامی سلجوقیان آناتولی نیز شباهت چشمگیری با همین سلسله مراتب در دستگاه سلجوقیان ایران و عراق داشت. اکثراً اسامی فارسی یا نیمه فارسی داشتند همان‌هایی بودند که در میان سلجوقیان ایران و عراق نیز به کار می‌رفتند. مناصبی نظیر امیر آخور که وظیفه اش نظارت بر نگهداری از اسبهای دربار بود، امیر جاندار که در رأس نگهبانان بود یا محافظان بود. امیر سلاح یا سرکرده سپاهیان، امیر مجلس که وظیفه اش ترتیب و تدارک مراسم جشن و نظایر آن بود. امیر شکار که وظیفه اش ترتیب تدارکات شکار سلطان بود. امیر عالم که وظیفه تقدیم نامه های رسمی را داشت. پردهدار یا حاجب که نظارت بر ورود و خروج افراد به دربار را برعهده داشت. همچنین چاشنیگیر، شراب سالار، طشت دار، جامه دار و غیره. مشاغل نظامی و مناصب مرتبط با آنها نیز در آناتولی وجود داشت، استفاده از اصطلاحات فارسی مانند سرهنگ، سر نفر، سرلشکر، سپهدار و نظایر آن برای نامیدن مناصب، مراتب و درجات نظامی که برخی از آنها بعدها عیناً به ترکی ترجمه شدند نیز نشان دهنده اقتباس سلجوقیان آناتولی از نظام سپاه در ایران است.

دبیری و منشیگری از مشاغل مهم دیگری است که در دوران سلجوقی وجود داشت. منشیان متعددی وظیفه نگارش مکاتبات اداری، فرمان‌ها، منشورها و حتی مکاتبات شخصی را بر عهده داشتند. این دبیران یا ایرانی بودند یا فارسی را به خوبی می‌دانستند. اغلب خود نیز ادیبانی بودند که نوشته هایشان از ارزش ادبی برخوردار بود. اداره دیوان طغرا عمدتاً بر عهده این منشیان، دبیران و کاتبان هنرور بود (رواندیف ۱۳۶۳: ۷۵).

### ۵-۱. تاثیرپذیری اجتماعی

عقیده تداوم یا عدم تداوم نهادها در سلطنت سلجوقیان روم و بهره‌گیری از نیروی جمعیت بومی در دستگاه دولتی ارتباطی نزدیکی با پیشرفت و روند اسلامی شدن فلات آناتولی و مشکلات برخاسته از آن داشت. اسلامی شدن آناتولی یک روند تدریجی بود؛ ولی سرعت پیشرفت آن و میزان شدت عمل و رفتار خشونت‌آمیز با جمعیت بومی از مسائلی بود که بارها مورخان آنها را بررسی کرده‌اند. تردیدی نیست که یونانیان و ارمنیان از حملات ترکمانان بسیار لطمه دیده بودند و نکته مهم اینکه خودترکمانان هم به طور کامل با فرهنگ اسلامی انس نگرفته بودند؛ ترکمانان کودکان بومی را به بردگی می‌گرفتند. کلیساها و صومعه‌ها از عایدات پیشین خود محروم شدند و به فقر افتادند. به‌طور کلی جمعیت مسیحی مرکز آناتولی به حواشی دریایی و اراضی کوهستانی عقب نشستند (سپهسالار، ۱۳۲۵: ۷۳). آنچه در پی ورود ترکان و ترکمانان به آناتولی پس از پیروزی سلجوقیان در نبرد ملازگرد روی داد مبدأ تحولات شگرفی در زمینه‌های گوناگون بود. بدون شک «گسترش اسلام در آناتولی و ترک‌نشین کردن این سرزمین از جمله حوادث مهم و تعیین‌کننده تاریخی است» پس از چیرگی ترکمانان بر آناتولی، به مرور بافت نژادی آنجا متحول شد و آناتولی به سرزمینی ترک‌نشین تبدیل شد. از آنجا که نظامی اداری در حکومت سلجوقیان به دست کارگزاران ایرانی و فارس‌زبان بود، در آناتولی زبان ترکی به صورت زبان محاوره رواج یافت اما برای مکاتبات، به‌ویژه در امور اداری، از زبان فارسی استفاده می‌شد. نقش ترکانی که به رهبری سلجوقیان به آناتولی وارد شدند در تغییر مذهب اهالی آن سرزمین قابل توجه بود. در واقع آنان سرزمین مسیحی نشین آناتولی را به اقلیمی مسلمان‌نشین تبدیل و آنجا را ضمیمه قلمرو جهان اسلام کردند (فروزانی، ۱۳۹۴: ۴۷۶) بین جمعیت پیشین آناتولی و ترکمانان تازه رسیده

از دواج‌های درون‌گروهی هم صورت گرفت چنانکه در برخی منابع هم‌عصر یونانی از یک نسل مختلط به نام Mixovarvoroï صحبت می‌شود که در میان نیروهای نظامی برخی از سلاطین ترک دیده می‌شدند. این نوع وصلتهای درون‌گروهی برای غیرمسلمانانی که تحت ذمه حکومت‌های اسلامی بودند ضررهای اجتماعی و حقوقی در پی داشت و موجب شد بسیاری از آنها به ناچار به اسلام گرایند؛ از اینرو کاهش چشمگیری در شمار مسیحیان آناتولی رخ داده است. لازم است ذکر شود که در آینده با رشد شرایط اقتصادی و برقراری ثبات سیاسی حیات شهری از آن حالت فشرده‌گی و بدبختی اواخر سده دوازدهم میلادی بیزانسیا رهایی یافت و برج و باروهای جدیدی پیرامون بعضی از شهرها کشیده شد. با اینکه شهرهای سلجوقیان روم کهنترین شباهت زیادی با شهرهای پیشین بیزانسی یا باستانی یا هر دوی آنها داشتند، مستقل‌تر از سایر شهرهای جهان اسلام نبودند؛ ولی حیاتی پویا و سرزنده داشتند و اختلاف ادیان و اقوام بر پویندگی آنها افزوده بود (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۴).

#### ۵-۲. تأثیرپذیری اقتصادی

حیات اقتصادی و بازرگانی در سرزمینهای اصلی سلطنت سلجوقیان روم به ویژه از اوایل سده هفتم هجری رونق پیدا کرد. تنها درنواحی مرزی بود که به دلیل جنگهای زیاد و تهاجمات، آشفتگی اقتصادی و اجتماعی رخ داد و نکته دیگر اینکه خود سلاطین علاقه زیادی به رونق کشاورزی نشان دادند. مالیات‌هایی که سلجوقیان بر جمعیت مسیحی می‌بستند کمتر از فشار نظامی بیزانسی‌ها بود. سلاطین روم در نیمه اول سده هفتم هجری به سواحل دریای مدیترانه و سیاه دست یافتند و حتی نفوذ خود را تا درون کریمه گستراندند؛ از اینرو تحول چشمگیری در تجارت داخلی و خارجی آناتولی پدید آمد و نتیجه آن برنامه‌های وسیع بنا سازی سلاطین شد و اعیان و اشراف، راه‌ها، پل‌ها، کاروانسراها و تسهیلاتی برای مسافران و تاجران ساختند. نخستین قرارداد بازرگانی با قدرتهای اروپایی همچون ونیزی‌ها و با در نظر گرفتن دسترسی به تجارت مدیترانه از طریق آنتالیا منعقد شد. مسکوکات سلجوقیان روم از سلاجقه بزرگ جدا بود، قدیمی‌ترین سکه آنها فلس (Fals) مسی بود که رکنالدین مسعود اولبن قلیچارسلان (۵۱۰-۵۱۱ ق) ه آن را ضرب کرد و این سکه از روی فلیس (Follis) بیزانسی‌ها تقلید

شده و نیمتنه تمام رخ سلطان بر روی آن و نام او در پشت آن نقش بسته بود. پایان مسکوکات سلجوقیان روم در ابهام است. سلطنت در دهه های پایانی سده هفتم و سالهای نخستین سده هشتم هجری در بین کیقباد سوم و مسعود دوم و فرزند او مسعود سوم دست به دست گشت؛ اما ضرب سکه های خام و نامرغوب آنها ارائه سال شماری درست و صحیح را بر اساس شواهد سکه شناسی ناممکن می‌سازد. در ربع پایانی سده هفتم سکه ها طلایی و نقره‌ای نایاب شد. ساختار درونی دولت از هم پاشید و حکام محلی برای اعتبار بخشیدن به سکه های خود از نام مسعود دوم و کیقباد سوم استفاده می‌کردند. سکه های کیقباد سوم از وزن معیار درهم اسلامی تبعیت نمی‌کرد و وزن آنها به ۵/۲ گرم رسیده بود؛ بنابراین بینظمی در ضرب سکه و کاهش وزن سکه های نقره آتولی به دوره جانشینان آنها یعنی بیلکها نیز سرایت کرد و آنها نخست به نام ایلخانان سکه ضرب کردند و سپس به نام خودشان سکه ضرب کردند و سکه کوچک نقره‌ای آقچه را رواج دادند که در ربع دوم سده هشتم هجری واحد شمارش پول آتولی برشمرده می‌شد (کارلا، ۱۳۸۱: ۷۳).

### ۳-۵. تاثیرپذیر هنر و معماری

بررسی عمومی هنر و معماری آتولی در دوره سلجوقیان الزاماً با سلطنت های قونیه (حدود سال ۱۱۱۸-۱۳۰۸ م) و تخت گاه های ایالتی آنها و امارت نشین های ترکمانان وابسته بدانها سروکار خواهد داشت و کمابیش حکومت های کیکاوس اول و کیقباد اول و سلسله هایی چون دانشمندیه، سلتوقی ها، منکوجیکی ها و اتحادیه ایوبی - ارتوقی ها را در بر می‌گیرد که کیقباد اول در جنگ «یسیچمن» (۱۳۳۰ م) این اتحادیه را درهم شکست. اما همه این امارت نشین ها دارای سنت های خاص هنری بودند که اغلب ویژگی بومی داشتند. این نکته بررسی طولی و کامل هنر و معماری آنها را پیچیده‌تر می‌کند. اگرچه تعداد اشیاء شناخته شده یا قابل انتساب به سلجوقیان آتولی محدود است، همین شمار اندک هم سرشار از تازگی و کیفیتی بالاست. هنرهای تزئینی آتولی در مقایسه با زهدورزی متداول معماری آن، که گستره غیرمعارفی از آزمایش انواع بناهای موجود و تزئینات پیکرهای ناپیوسته روی مدخله ای تزئینی نمایانگر آن است، بسیار برجسته و با کیفیت است. از آنجا که آتولی پس از سال ۴۵۰ ه.ق از دست

بیزانسی‌ها خارج شد و پس از آن هم گروه‌های ناهمگونی از مسلمانان در آن سکنی گزیدند، این استحکام و انسجام سریع فرهنگی در این منطقه از دستاوردهای برجسته و عمده برشمرده می‌شود. تقریباً تمامی آثار باقیمانده متعلق به سده هفتم هجری است؛ در حقیقت چون مغولان پس از تسلط بر آناتولی در سال ۶۲۲ ه.ق در ابتدا نتوانستند در فرهنگ بومی این منطقه دخالتی بکنند، سبک سلجوقیان تا حدود سال ۶۷۹ ه.ق ادامه یافت. (عبدالباقی، ۱۳۷۵: ۸۴) هنر آناتولی سلجوقیان روم از برخی جهات با هنر دیگر سلاجقه و دولتهای بازمانده آنها فرق دارد. پیکره‌های انسانی در آن، به‌ویژه در ترکیب بندی‌های بغرنج «چندآوایی»، اهمیتی درخور ندارد: در آن بیشترین تأکید بر نقوش رسمی به خصوص اسلیمی‌ها و تا حدودی هم بر کتیبه نگاری شده است. طرح‌های حیوانات حتی در زمینه‌های مذهبی زیاد است و این نکته شاید بازتابی از مفاهیم توتمی و کیهان‌شناختی باشد که در نمادگرایی سلطنت سلجوقیان روم وجود داشت؛ طرح‌های مشابه که در آغاز از سازه‌های مذهبی جزیره اقتباس شده، به همین دلیل در آناتولی روزگاری سلجوقیان و سلاطین وابسته رواج یافته است.

هنر آناتولی به دو بخش تقسیم می‌شود که عبارت است از معماری و هنرهای صناعی. معماری سلجوقیان آناتولی به لحاظ ریختشناسی بسیار پرمایه و غنی است. این معماری نه تنها بناهایی چون مساجد، مدارس و خانقاه‌ها را در بر می‌گیرد، بلکه شامل بیمارستانها و برجهای تدفینی و سایر آرامگاهها (تربت، گنبد) نیز هست و همچنین باید از بناهای غیرمذهبی همچون کاخها، قلعه‌ها، تعمیرگاه‌های کشتی، کاروانسراها، پل‌ها حمامها و حتی تأسیسات حرارتی نام برد. معماری سلجوقیان آناتولی تفاوت چشمگیری با معماری سلجوقیان ایران داشت، چون کاربری مواد مختلف ساختمانی باعث تحولی شگرف در زیباییشناسی ساختمانها شد. سنگ‌بدر جای آجر را گرفت و برای اندرونیها از چوبکاریها استفاده شد و بعدها سنگ مرمر هم برای رویه‌کاری دیوارها به کار رفت. از اینها گذشته، اقلیم و آب و هوای متفاوت این سرزمین باعث تغییراتی در صحن باز ساختمانهای ایرانی در این منطقه شد؛ در اینجا حیاط به شکل بسته درآمد و با بام مسطحی پوشانده شد (بهار، بی تا: ۴۳).

علیرغم این واقعیت که الگوهای معماری ایران و بینالنهرین و آناتولی در نگاه اول شبیه

هم به نظر می‌رسند، بین معماری این مناطق در زمان سلجوقیان تفاوت‌های اساسی وجود دارد. دید زیبایی‌شناختی ایران از سبک غنایی مستمر و تعبیر وهمی و پنداری جدا نبود و بهره‌گیری تزئینی از آجر و رنگ و روکاری با کاشی آن را تقویت می‌کرد. معماری آناتولی در زمان سلجوقیان جلوه رسمی کمتری داشت و دارای تناسب متوسط بود و بهره‌گیری از عناصر تزئینی را با تعلق آمیخته بود. بالاخره مجموعه آرایه‌ها گرچه غنی بود، ولی گیرایی کمتری داشت و از عناصری بهره گرفت که از سنن بسیار باستانی بومی مایه می‌گرفت و بیشتر یادآور میراث چادرنشینی و توتمی بود.

با اینکه از کتیبه‌های بناها پیداست که بیشتر آنها را امرا ساختند، ولی سلاطین سلجوقی نیز در واگذاری اراضی با صورت تملیک برای موقوفات به‌طور غیرمستقیم در آنها دست داشته‌اند. یکی از پرکارترین و برجسته‌ترین اشخاص در زمینه بنا سازی فخرالدین علی وزیر (صاحب عطا) بود. معینالدین پروانه سلیمان از دیگر مأموران عالیرتبه امپراتوری هم در ایالات دریای سیاه در بنا سازی کوشا بود. او در سینوپ، علاءالدین مدرسه (۶۶۴ ه.ق) و نیز یک مسجد (۶۶۷ ه.ق) و همچنین مسجدی در مرزيفونهنرهای صناعی سلجوقیان روم شامل چوبکاری ساختمان، سفالینه و شیشه، فلزکاری، تذهیب و کتاب آرای، سکه‌های پیکره‌ای و منسوجات می‌شود. سرزمین آناتولی در داشتن چوب بسیار غنی بود و کندهکاری روی چوب دوران سلجوقیان روم که اغلب بر روی چوب گردو اجرا شده از زیباترین کنده کاریهای جهان اسلام است. از این فن نه تنها در منبرها و سایر وسایل مسجد، درها و پنجره‌های کرکرهدار استفاده می‌کردند، بلکه برای مقابر یادبودی و رحل قرآن هم به کار می‌بردند. به غیر از ظروف شیشه‌ای که در آرک قونیه یافت شده و امروزه در موزه قونیه محفوظ است و احتمالاً به دست صنعتگران مهاجر رقه و دیگر سفالگران حوزه فرات ساخته شده، بیشتر سفالینه‌های دوره سلجوقی به ظروف مخطط چندرنگی تعلق دارد که در شرق مدیترانه از قبرس تا قفقاز و ماورای قفقاز و دریای سیاه تولید شده‌اند. تنها قطعه شیشه‌ای سالم از دوران سلجوقیان آناتولی باید جزو ظروفی باشد که با سفارش خاص تولید شده است. این قطعه بشقاب زرین و مینایی است که در قبادآباد به دست آمده و از نظر نوع ساخت سوری است و به نام کنخسرو دوم ساخته شده است. با اینکه از اشیای فلزی سلجوقیان

آناتولی چیزی به دست نیامده ولی یافته های غنی از نوع قلاب کمرطلاکوبی و نقرهکوبی و جامهای فلزی از سده ۱۳-۱۴ ه.ق در مقبره های جنوب روسیه، کریمه و شمال قفقاز می‌رساند که آثار سیمین و زرین سلجوقیان آناتولی در بخش شمالی، سنتی را پدیدآورده که همچنان به خصوص توسط زرگران و جواهرسازان ارمنستان ادامه یافته است (میرخواند، ۱۳۳۹: ۸۴)

#### ۴-۵. تاثیرپذیری ادبی

فرهنگ فرهیخته و دیوانسالاری سلطنت سلجوقیان روم ذاتاً ایرانی بود و در زمینه های تاریخنگاری و تصوف آثاری به زبان فارسی پدید آمد. در فضای شدید عرفانی و سنت صوفیانه این عصر، ادبیات متصوفانه و شاخه‌های از ادبیات تراجم احوال درباره عرفا و متصوفه (مناقب نامه ها) شکوفا شد. از شخصیت عالیمرتبه آن دوران مولوی است که در زمان اقامتش در قونیه دیوان شعر و شاهکارش مثنوی معنوی را سرود. فرزند او، سلطان ولد، در زبان فارسی و ترکی سرآمد بود و آثاری در این زبانها پدید آورد. درباره صوفیان برجسته آناتولی دوره سلجوقیان چندین مناقبنامه نوشته شد که مناقبنامه های صوفیان مولوی برجستگی خاصی داشت ولی اثر پرآوازه و نمونه برجسته‌های از این نوع آثار، مناقبالعارفین شمس الدین افلاکی بود که در نیمه اول سده هشتم هجری پدید آمد؛ یعنی روزگاری که دیگر سلجوقیان در میدان سیاست حضور نداشتند (سنوی، ۱۳۸۴: ۹۸)

در این دوره زبان عربی همچنان زبان آثار دینی، کلامی، فقهی و علمی بود و آناتولی به‌ویژه کانون تولید، انتقال و نسخهبرداری متون فقه حنفی به حساب می‌آمد؛ ولی زبان عربی برای نگارش متون عرفانی هم به کار برده می‌شد چنانکه آثار ابنعربی به زبان عربی تألیف یافته و او تعدادی از آنها را در زمان اقامتش در قونیه و دیگر شهرهای آناتولی در اوایل سده هفتم هجری نوشت؛

از اینرو وی اثر منظوم عرفانی خود ترجمان الاشواق را در قیصریه به رشته تحریر درآورد و شاگردش، صدرالدین قونیه، آثار معتبری درباره تفسیر قرآن، حدیث و اسماء نودونگانه خدا و آثاری درباره تصوف نظری به زبان عربی تألیف کرد. تمامی این آثار را محافل فرهیخته یا درباری سلجوقیان روم می‌نوشتند ولی نباید فراموش کرد که زبان روزمره مردم ترک، چه شهری و چه روستایی، زبان ترکی بود. با اینکه بهره‌گیری

فرمانیه‌ها از زبان ترکی برای دیوانهای کشوری در قونیه کوتاهمدت بود، ولی این واقعیت را به ثبوت رسانید که استفاده از زبان ترکی در امور عمومی امکانپذیر است. با این وجود بهره‌گیری از زبان ترکی در قلمرو حکومت سلاجقه روم در سطح ادبیات مردمی و عامیانه قرار داشت (همدانی، ۱۳۸۶: ۸۴). اما هنگامی که زبان ترکی در مقام زبانی ادبی وارد صحنه ادبیات شد، کشمکش بی‌امانی را آغاز کرد چون نویسندگانی که از این زبان استفاده می‌کردند متهم بودند به اینکه نمی‌توانند زبان فارسی و عربی را به کار بگیرند و لذا زبان ترکان بیادراک را استفاده می‌کردند. مولوی در مثنوی خود از چندین شعر ترکی بهره جست و اقامت طولانی وی در قلمرو سلجوقیان روم بیانگر آشنایی کامل وی با زبان ترکی است؛ ولی فرزند او، سلطان ولد، را می‌توان یکی از نویسندگان چیره دست زبان ترکی دانست چون در آثار او دستکم ۳۶۷ بیت شعر ترکی وجود دارد که به احتمال زیاد برای ترویج و انتشار اندیشه‌های مولویه در میان مردم از آنها بهره برده است. (یوسفی، ۱۳۸۱: ۳۲).

#### ۵-۵. تاثیرپذیری از زبان فارسی

پس از گذشت نزدیک به یک قرن از شکلگیری سلطنت سلاجقه روم، نقطه عطفی در تاریخ این دولت شکل گرفت. این نقطه عطف بر تخت نشستن سلطان قلیچارسلان دوم و پیروزیهای مداوم وی مقابل دو دشمن دیرینه سلجوقیان روم، یعنی دانشمندیان و امپراتوری بیزانس بود، به این ترتیب که سلطان در گام نخست دولت دانشمندیان سیواس را از میان برداشت و در دومین گام بیزانس را در سال ۵۷۲ ه.ق در نبردی سرنوشتساز به سختی درهم کوبید از این زمان به بعد، تثبیت اوضاع سیاسی سلاجقه روم از یکسو و علاقه سلطان مذکور از سوی دیگر، باعث شد که دربار وی تبدیل به محلی برای حضور شعرا و ادبا شود. نه تنها دربار خود سلطان بلکه دربار هر یک از فرزندان وی نیز محلی امن و آرام برای حضور بزرگان و نویسندگان شد لازم است ذکر شود که سلطان قلیچارسلان دوم پس از شکست دشمنان و ایجاد ثبات در قلمرو تحت استیلای خود، تصمیم گرفت این قلمرو را میان یازده پسر خود تقسیم کند. به این ترتیب و به دستور سلطان، به هر کدام از فرزندان ایالتی واگذار شد. آزادی و استقلال عمل هر یک از فرزندان در منطقه خود بسیار زیاد بود. این استقلال عمل سبب شده بود

تا هر یک از فرزندان سلطان مذکور برای خود دربار و درگاهی تشکیل دهد و برای حکمرانی بهتر، مقدم بزرگان، اندیشمندان و بهطور کلی اهل علم و ادب به درباره خود را گرامی بدارد (جان، ۲۰۰۸: ۴۳).

به این ترتیب با ورود ادبا، شعرا و سایر اهل علوم و حرف نه تنها تحولی اساسی در اوضاع فرهنگی قلمرو هر یک از این شاهزادگان به وجود آمد، بلکه بعضاً برخی از این شاهزادگان خود به سرودن شعر فارسی روی آوردند یا با یادگیری دستور خط فارسی به خطاطی پرداختند و کتابهای نفیس از خود به یادگار گذاشتند. همراه شدن آرامش و ثبات سیاسی با عشق و علاقه سلاطین ترکی همچون قلیچارسلان دوم و سلطان سلیمان شاه دوم به زبان و ادب فارسی، مقدمات حضور شعرا، ادبا، عرفا و اندیشمندان فارس‌زبان را به قلمرو و دربار سلاجقه روم فراهم ساخت یا حداقل این بزرگان را بر آن داشت تا اشعاری را در ستایش سلاطین شعردوست سلجوقی روم بسرایند یا آثار خویش را به نام آنها مزین کنند. عالمان و شاعرانی فارس‌زبان همچون حبیب بن ابراهیم تغلیسی، نظامی گنجوی و ظهیرالدین فاریابی جایگاه ادب و زبان فارسی را در دربار سلجوقیان روم به اوج تعالی رساندند. (عطا، بی تا، ۱۲۲) افزون بر ابدوستی سلاطین سلجوقی عامل دیگری که توانست آسیای صغیر را مرکز و مجمع مردان هنر و ادب اندیشه ایرانی قرار دهد، حمله سنگین مغول و آشوب پس از آن است. تاخت و تاز و کشتار هراسانگیز مغول خراسان بزرگ را که بیش از سه قرن کانون رشد و نمو زبان و ادب پارسی بود یکسره ویران ساخت و گروهی از اهل علم و ادب و هنر را به خاک و خون کشید. آنان که از حملات مغول، جان سالم به در برده بودند به کشورهای پیرامون از جمله آسیای صغیر پناه بردند.

#### ۵-۶. تاثیر پذیری آیینی

ترکمانان آناتولی با ورود به آسیای صغیر نشانه‌هایی از گذشته شمنی و اعتقادات خود را وارد این سرزمین کردند، اما این ترکمانان نهایتاً از هواداران سرسخت یکی از مذاهب تسنن یعنی حنفی شدند. شایان ذکر است که در میان سلجوقیان روم تا سده هفتم هجری نوشته‌های اخلاقی در زمینه کلام و فقه پدید نیامد و ترکان آناتولی از میراث عظیم تحقیقات غنی و پربرخ حنفیان خراسان و ماوراءالنهر بهره بردند و این میراث را

علمایی که در سده هفتم هجری از مقابل مغولان به طرف غرب فرار کردند همچون یوسفین ابیسعید سجستانی در آناتولی رواج دادند. (شکر، ۱۳۸۵: ۶۶). مؤسسات فرهنگی دین اسلام همچون مدارس و مساجد در آناتولی دیرتر به بار نشست. نخستین مساجد قلمرو سلجوقیان و سلسله های ترکمانی چون دانشمندیه، منکوجکیها و سلتوقیها پس از حدود سال ۵۵۰ ه.ق ایجاد شد و نخستین مدرسه آناتولی که از کتیبه سردر آن پیداست در سال ۵۸۹ ه.ق در قیصریه ساخته شد؛ درحالی که مدرسه در سرزمینهای ایرانی و عربی حدود دو قرن پیش متدوال شده بود. مدارس و مساجد با تحکیم سلطنت سلجوقیان در سده هفتم در شهرهایی چون قونیه، قیصریه و چند شهر دیگر در آناتولی و از جمله در ماردین عهد ارتوقیا از شکوه و شکوفایی قابل توجهی برخوردار شد.

پس از چندی که گذشت تصوف در آناتولی ریشه گرفت و انگیزه خود را نه تنها از سرزمینهای ایرانی بلکه از شخصیت برجسته و عارف بزرگی اندلسی، ابنعربی (متوفی ۶۳۸ ه.ق)، که به ملیطه و سیواس و قونیه سفر کرد، گرفت. زوار شمال آفریقا که از راه آناتولی رهسپار حج می‌شدند یا به زیارت قونیه می‌رفتند، مساجد کوچکی در این شهر ایجاد کردند. اما در سرزمین آناتولی بیش از هر چیز و مهمتر از همه سنت فرهنگی و معنوی ایران و زبان فارسی توسعه یافت و تأثیرات ایران در دیگر قلمروها، همچون امور دیوانی و درباری گسترش یافت. سلاطین سلجوقی از همان ابتدا تحت تأثیر حماسه ملی ایران نامهایی ایرانی مانند کیکاوس، میخسرو کیقباد برای خود برگزیدند. این فرایند در سده هفتم هجری شتاب بیشتری گرفت و آن زمانی بود که بهاءالدین ولد و فرزندش جلالالدین از یک خاندان دیندار، عارف و کهن بلخ، وارد شهر قونیه شدند. سلطان کیقباد اول، بهاءالدین ولد را به پایتخت خود فراخواند، اما وی آنجا چندان نماند؛ در حالی که فرزندش جلال الدین بیشترین ایام خود را در قونیه سپری کرد و مثنوی معنوی خویش را در آنجا سرود. بدین ترتیب پایتخت سلجوقان روم؛ یعنی قونیه کانون طریقت مولویه شد و سلطان ولد فرزند مولوی به گسترش آن همت گماشت و آرامگاه جلالالدین رومی در این شهر کعبه آمال و آرزوهای صاحبان زهد و عبادت شد. سنن و سلوک مذهبی یاد شده در بالا در شکلگیری تسنن رسمی و مسلط آناتولی تأثیر به

سزایی داشت. اما در سطح عامیانه و نه چندان فرهیخته، عقایدی وجود داشت که از شمنیسم ترکان به‌ویژه ترکان حومه شهرها مایه می‌گرفت و به احتمال زیاد با احساسات و عقاید شیعیانه که در اوایل دوره عثمانی در میانترکان شرق آناتولی کاملاً آشکار شد، تلفیق یافته بود. این نوع عقاید مذهبی در ایام فشارها و انقلابات سیاسی و اجتماعی آشکار می‌شد و صورت سیاسی خاصی پیدا می‌کرد. سرانجام کمی هم باید درباره ترکیب ادیان بزرگ در آناتولی به‌خصوص دو دین اسلام و مسیحیت صحبت کرد. درباره چنین موضوع مهم و حساسی نمی‌توان به نتایج قاطعی دست یافت؛ ولی چنین می‌نماید که برخی از سلاطین همچون کيقباد اول از سلاطین آسانگیر و روشن ضمیری بوده‌اند و از ترکیب ادیان و مذاهب در قلمرو حکومتی خویش آگاهی داشته‌اند. در قونیه ارمنیان و یونانیان زندگی می‌کردند و یونانیان در آنجا صومعه‌های به نام سن چریتون داشتند؛ علاوه بر این‌ها می‌توان به حضور یهودیان در قونیه نیز اشاره کرد (بهار، بی تا، ۱۸۸). از قرار معلوم رومی‌ها روابط تنگاتنگی با اهل ذمه داشته‌اند؛ در حالی که علمای مسلمان همواره در پی آن بوده‌اند که آنان را به دین اسلام درآورند. در سطح مردم آناتولی در تعدادی از اماکن مقدس مبادلات و مناسباتی میان مسیحیان و مسلمانان وجود داشت و گاه قدیسان طرفین همسنگ برشمرده می‌شدند و محل احترام بودند. یکی از نمونه‌های برجسته سنجرج است که همسنگ خضر محسوب می‌شد.

### نتیجه‌گیری

در طول تاریخ جوامع مختلف تحت تأثیر یکدیگر قرار گرفته‌اند، اولین امپراتوری‌های شناخته شده در بین‌النهرین، دره نیل و دلتاهای مرکزی چین و هند پدیدار شدند، فلات ایران و آسیای صغیر نیز مهد امپراتوری‌های متعددی بوده است، از آغاز میراث‌های سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی امپراتوری‌های شرق بر امپراتوری‌های نوظهور تأثیرگذار بوده است، در این مقاله به شکل‌گیری امپراتوری سلجوقیان پرداخته شد، ظهور سیاسی آن از زمینه‌های اجتماعی و سپس ساختارهای اصلی حکمرانی آن بررسی شد و روند یادگیری یا به عبارتی نفوذ عناصر تمدن ایرانی و اسلامی بر آن در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ادبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، بر این اساس سلجوقیان نیز به مانند دیگر حکومت‌ها گرچه در زمینه نظامی و سیاسی

در بازه زمانی معینی توانستند غلبه پیدا کنند اما نه تنها در حوزه های فرهنگی و مذهبی و اقتصادی و اجتماعی بلکه در حوزه های سیاسی و تشکیلات حکمرانی نیز قویا تحت تاثیر میراث تمدنی ایران و اسلام قرار گرفتند، آنان هم این طور از میراث های تمدنی رومی نیز متأثر شدند و به عنوان نیرویی جریان ساز عنصری از تمدن ایران را در آسیای صغیر نیز اشاعه دادند. به طوری که از عوامل مهم گسترش آداب و رسوم ایرانی رایج در آناتولی دوره سلجوقیان روم توجه به توسعه فرهنگ ایرانیان، ایجاد اتحاد بین مردم، استفاده در اداره حکومت، تحکیم هویت ایرانی و حمایت از فرهنگ ایرانی-اسلامی می باشد. همچنین به نظر می رسد آداب و رسوم ایرانی در آناتولی دوره سلجوقیان روم رایج بوده و شاید بتوان پادشاهان این سلسله را از انتقال دهندگان آداب و رسوم ایرانی به آناتولی به شمار آورد. به نحوی که ضمن حمایت از فرهنگ ایرانی-اسلامی بستر رونق آن را فراهم آوردند. آداب و رسوم ایرانی در زمینه برگزاری جشن ها، سوگواری ها، بر تخت نشستن پادشاهان، مراسم و مناسک عرفانی و اجتماعی و... در دوره ی سلجوقیان روم نمود داشته است. و علاوه بر آن آرامش و ثبات سیاسی این دوره، بهبود شرایط اقتصادی، مهاجرت ایرانیان به دلیل حمله ی مغول به آناتولی، علاقمندی سلاطین ترک به آداب و رسوم ایرانی و زبان فارسی و... از عوامل گسترش آداب و رسوم ایرانی در دوره سلجوقیان روم در آناتولی بوده است.

### منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی، بی تا، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ابن بی بی، حسین بن محمد بن علی الجعفری الرغدی، ۱۹۵۷ م، الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه، به کوشش نجاتی لوغال و عدنان صادق ارزی، آنکارا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۶۹، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن (۱۳۷۷)، مختصر تاریخ الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم، (۱۳۸۳)، تاریخ ایوبیان (مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب)، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: علمی و فرهنگی.

- آربری، آرتورجان و دیگران، (۱۳۸۶)، تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، مترجم: احمد آرام، تهران: امیر کبیر.
- افلاکی، شمس الدین احمد (۱۳۶۲). مناقب العارفين، به تصحیح تحسین یازجی، تهران: دنیای کتاب.
- آقسرائی، محمود بن محمد (۱۳۶۲)، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخیار، به اهتمام و تصحیح عثمان توران، تهران: اساطیر.
- باسورث، کیلفورد ادموند، (۱۳۸۰)، سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: مولی.
- بناکتی، فخرالدین ابوسلیمان داوود (۱۳۷۸)، روضه اولی الالباب فی معرفه التاریخ و الانساب، به کوشش جعفر شعار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بنداری اصفهانی، ۱۳۵۴، زبده النصر و نخبه العصر، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بهار، مهرداد، ۱۳۷۶، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگاه.
- ثروت، منصور و رضا انزابی نژاد (۱۳۷۷)، فرهنگ معاصر، تهران: سخن.
- حسینی، عطاالله؛ تقوایی، فاطمه، ۱۳۸۷، «کارگزاران ایرانی در دستگاه اداری سلجوقیان روم»، مسکویه دانشگاه آزاد، سال ۳، شماره ۱۰.
- حسینی، صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی، ۱۳۸۰، زبده التواریخ، ترجمه: علی روح الهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- رنگین کمان، امیر (۱۳۸۶)، «تحول فرهنگی ایرانیان: تطبیق انتقادی نظریه اینگلههارت، تغییرات فرهنگی در ایران (مجموعه مقالات)»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش-های فرهنگی و اجتماعی، شماره ۷.
- روشه، گی (۱۳۸۱)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی.
- سپهسالار، فریدون بن احمد (۱۳۲۵)، رساله در احوال مولانا جلال الدین مولوی، به تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- شکر، محمد (۱۳۸۵). سلجوقیان (شکست بیزانس در ملازگرد و گسترش اسلام در آناتولی)، ترجمه نصرالله صالحی و علی ارطغرل، تهران: ادیان
- فروزانفر، محمدحسن (۱۳۱۵)، زندگانی مولانا جلال الدین محمد بلخی، تهران: مجلس فروزانی، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، سلجوقیان از آغاز تا فرجام. تهران: سمت.
- کاشغری، محمود، (۱۳۸۹)، دیوان اللغات الترك، تهران: اختر
- گروسه، رنه، ۱۳۷۹، امپراتوری صحرانوردان، ترجمه: عبدالحسین میکده، تهران: علمی و

فرهنگی.

هولت، پی‌ام و دیگران (۱۳۸۷). تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.  
یوسفی حلوائی، رقیه (۱۳۸۱). روابط سیاسی سلاجقه روم با ایلخانان، تهران: امیرکبیر.  
یوسفی، غلامحسین، ۱۳۶۳، فتوت و قیامهای ضد خلافت، در آیین جوانمردی، گردآورنده  
احسان نراقی، تهران: نشر نو.

۳۲۰

پژوهش‌های  
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و هفت

تابستان ۱۳۹۹